



مركز جهانی علوم اسلامی
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

نگارش؛ سید عبدالواحد محسنی

استاد راهنما؛ حجة الاسلام و المسلمین دکتر علی خراسانی

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین جعفر کریمی

اردیبهشت ۱۳۸۵

□ مسؤلیت مطالب مندرج در این پایان نامه به عهده نویسنده می باشد.

□ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلااشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و سپاس:

«إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ آيَاتِكَ شُكْرِي.»^(۱)

با ستایش و سپاس خداوند منان و درود بی پایان بر پیامبر و خاندان پاکش؛ به جاست که از همکاری‌ها و تشویق‌ها و زحمات تمام کسانی که در سامان گرفتن این رساله به هر شکل ممکن (مستقیم یا غیر مستقیم) سهم داشته‌اند صمیمانه قدر دانی و سپاسگزاری کنم، تا باشد که مصداق «لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَا يَشْكُرِ اللَّهَ»^(۲) قرار نگرفته باشم.

به ویژه از مسئولان محترم امور پایان نامه در مرکز جهانی علوم اسلامی و مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، خصوصاً گروه محترم «قرآن و حدیث» تقدیر و امتنان وافر دارم، «جَزَاهُمْ اللَّهُ مِنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ.»

اما سپاسگزاری ویژه‌ام را از حضرت حجة الاسلام والمسلمین دکتر علی خراسانی، رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن به عنوان استاد راهنما و جناب حجة الاسلام والمسلمین جعفر کریمی استاد مشاور، و جناب حجة الاسلام والمسلمین علی همت بناری، استاد روش تحقیق و تدوین پایان نامه، ابراز داشته و مقام شامخ معلم را آنگونه که ختم رُسل حضرت محمد مصطفی ﷺ فرمود: «مَنْ عَلَّمَ شَخْصًا مَسْأَلَةً فَقَدْ مَلَكَ رَقَبَتَهُ»^(۳) ارج می‌نهم، و دعای خیرمان را بدرقه راهشان می‌نمایم.

۱. خدایا شکر من در برابر نعمت‌های بزرگ تو بسیار اندک و ناچیز است. قطعه از مناجات الشاکرین (مناجات خمسه عشر) امام سجاده، ر.ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، بی تا، ص ۲۳۳.

۲. وسائل الشیعه، کتاب اوامر والنهی، باب ۸ ممن ابواب فعل المعروف، حدیث ۱۴؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۶۴۴۳.

۳. اگر کسی به شخصی مسأله‌ای را بیاموزد، زمام اختیار و مالکیت او را به دست می‌آورد. محمد الری شهری، میزان الحکمة، ج ۷، ص ۲۷۶۶، ح ۱۳۸۹۵؛ به نقل از: غوالی اللالی، ۴/۷۱/۴۳.

تقدیم به:

به پیشگاه ملکوتی و تابناک پیشوایان معصوم علیهم السلام به ویژه یگانه ذخیره خداوند حجة ابن الحسن علیه السلام، و کریمه اهل بیت فاطمه معصومه علیها السلام صاحب خوان پویندگان دانش.

- به پیشگاه رادمردی که بر قله رفیع ارشاد و اصلاح امت اسلام درخشید و هدف نهضتش را اینگونه بیان کرده: «زن و فرزندم را به قربانگاه کربلا می برم تا با امر به معروف و نهی از منکر دین را زنده کنم» و به این هدف نائل آمد و مصداق جمله: «مِنْ أَنْ دِينَ الْإِسْلَامِ كَمَا أَنَّهُ مُحَمَّدِيُّ الْحُدُوثِ فَهُوَ حُسَيْنِيُّ الْبَقَاءِ»^(۱) شد و علت مبقیه دین اسلام گشت.

- به همه کسانی که در راه اقامه معروف و نابودی منکر راه زندان و شکنجه و شلاق و تبعید را با شکیبایی تمام بر خویشتن همواره ساختند و سرانجام با بذل جان شهد شیرین شهادت نوشیدند و به کاروان «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^(۲) پیوستند؛ «طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَأَبٍ»^(۳)

- به مهربانانی که یکی فرشته وار با شیرۀ جانش مهر و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش را آمیخته جانم کرد و شالوده زندگی ام را با ذکر «یا علی و یا زهرا، یا زینب و یا حسین و یا قمر بنی هاشم» پی ریزی نمود و استحکام بخشید؛ و دیگری پیامبر گونه در آغازین ایام حیات و شعورم، مرا با مسجد و معلم، نماز و نیایش، قرآن و قلم آشنا کرد و ره توشه سفر کسب معارف اسلامی را برایم مهیا ساخت «رَبِّ إِرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»^(۴)

۱. علامه امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۲۴۶.

۲. آل عمران، آیه ۱۶۹.

۳. رعد، آیه ۲۹.

۴. اسراء، آیه ۲۴.

چکیده

این پژوهش پیرامون یک سؤال اصلی تحقیق کرده است، و آن اینکه: جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن چیست؟ در پاسخ این سؤال به یازده آیه از آیات قرآن کریم استدلال شده که امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن واجب است و قرآن کریم رسیدن به فلاح و رستگاری را در انجام (امر به معروف و نهی از منکر) می‌داند، برای وجوب و لزوم امر به معروف و نهی از منکر افزون بر آیات به روایات و عقل و اجماع استدلال شده است. این پژوهش تهیه شده از یک مقدمه و شش فصل می‌باشد.

و در پایان، نتیجه تحقیق آورده شده است؛ در مقدمه تبیین طرح موضوع، و در فصل اول، تحت عنوان (کلیات) به ضرورت، و سابقه پژوهش، و سؤال اصلی و سؤالات فرعی، و فرضیه و مفاهیم (کلید واژه‌ها) و چکیده مطالب پرداخته شده است، و در فصل دوم، اهمیت و جایگاه این دو فریضه از دیدگاه قرآن بررسی شده و آیات دال بر وجوب آورده شده است و نیز به تأیید آیات از روایات و عقل و اجماع نیز استدلال شده است. وجوب عینی یا کفایی و ثمره آن دو، و نیز ارتباط امر به معروف و نهی از منکر با حکومت و ولایت بحث و بررسی شده است. در فصل سوم: به بیان شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده و نیز راه‌های شناخت «معروف» و «منکر» و مصادیق آنها معرفی شده است. در فصل چهارم: درباره آداب امر به معروف و نهی از منکر؛ و توانمندی امران به معروف و ناهیان از منکر و نقطه آغاز و شیوه انجام آن بحث گردیده است.

در فصل پنجم: در رابطه با آثار مثبت و سازنده و برکات و پاداش الهی که در انجام این دو فریضه نهفته است و همچنین به پیامدها و خطرات و عذاب الهی که در ترک امر به معروف و نهی از منکر است پرداخته شده است.

و فصل ششم: تحت عنوان (علل ترک و پاسخ به شبهات) منعقد گردیده و به سؤالات و شبهات مطرح شده راجع به امر به معروف و نهی از منکر پاسخ قرآنی داده شده است و نیز به علل ترک این دو واجب اسلامی به اختصار اشاره شده است.

فهرست مطالب

.....	تقدیر و سپاس
.....	تقدیم به
.....	چکیده
.....	مقدمه: طرح موضوع

فصل اول: کلیات تحقیق

.....	مقدمه
.....	ضرورت تحقیق
.....	پیشینه تحقیق
.....	سؤالات اصلی و فرعی
.....	فرضیه
.....	روش انجام تحقیق
.....	مفاهیم (کلید واژه‌ها)
.....	الف - امر
.....	ب - نهی
.....	ج - معروف

د- منکر..... ۱۴

ه- عرف..... ۱۵

فصل دوم: جایگاه و اهمیت و ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر

الف- در قرآن..... ۱۹

ب- در کلام پیامبر گرامی اسلام ﷺ..... ۲۰

ج- در کلام امامان معصومین علیهم السلام..... ۲۱

و وجوب امر به معروف و نهی از منکر..... ۲۳

مقدمه..... ۲۳

ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر..... ۲۳

۱. قرآن کریم..... ۲۳

۱. آیه اول..... ۲۵

مقصود از کلمه «امة» در این آیه..... ۲۶

فرق دعوت به خیر با امر به معروف و نهی از منکر..... ۲۷

۲. آیه دوم..... ۲۸

۳. آیه سوم..... ۳۰

۴. آیه چهارم..... ۳۱

۵. آیه پنجم..... ۳۳

۶. آیه ششم..... ۳۵

۷. آیه هفتم..... ۳۷

- ۳۸ ۸. آیه هشتم
- ۳۹ ۹. آیه نهم
- ۴۰ ۱۰. آیه دهم
- ۴۲ ۱۱. آیه یازدهم
- ۴۴ ۲. عقل
- ۴۸ ۳. روایات (سنت)
- ۵۰ ۴. اجماع
- ۵۰ واجب عینی یا کفایی
- ۵۲ ثمره نزع (بین وجوب عینی و کفایی)؟
- ۵۴ پیشینه تاریخی امر به معروف در جامعه اسلامی
- ۵۶ حکومت اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر
- ۶۳ دانشمندان و امر به معروف و نهی از منکر
- ۶۳ مقدمه
- ۶۷ ولایت در امر به معروف و نهی از منکر
- ۷۲ گستره معنای امر به معروف و نهی از منکر

فصل سوم: شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

- ۷۶ الف - شرایط امر به معروف و نهی از منکر
- ۷۶ شرط اول: شناخت معروف و منکر
- ۸۱ راه‌های شناخت «معروف» و «منکر»

- ۸۱ ۱. فطرت
- ۸۳ ۲. عقل
- ۸۴ ۳. دین
- ۸۵ شناخت مصادیق «معروف» و «منکر» در قرآن
- ۹۰ شرط دوم: احتمال تأثیر
- ۹۲ شرط سوم: استمرار بر گناه
- ۹۴ شرط چهارم: بر امر و نهی مفسده‌ای همچون ضرر مالی و جانی مترتب نباشد
- ۹۹ ادعای شرط پنجم و رد آن
- ۱۰۳ ب - مراتب امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۰۳ ۱. قلبی
- ۱۰۴ رعایت ترتیب بین مراتب
- ۱۰۹ ۲. امر و نهی گفتاری
- ۱۱۱ ۳. اقدام عملی

فصل چهارم: آداب (شیوه‌های) امر به معروف و نهی از منکر

- ۱۱۷ مقدمه
- ۱۱۸ دو عامل موفقیت
- ۱۱۸ الف - افزایش توانمندی‌ها
- ۱۱۸ ۱. توانمندی فردی
- ۱۱۸ ۱-۱. سابقه درخشان

- ۱۲۰ ۱-۲. شکیبایی
- ۱۲۲ ۱-۳. با اراده و مؤمن به هدف باشد
- ۱۲۲ ۱-۴. ملایمت و مهربانی
- ۱۲۵ ۱-۵. اخلاص و تعهد
- ۱۲۶ ۲. گروهی
- ۱۲۹ ۳. انضباط و انسجام درون گروهی
- ۱۳۰ ب- اقدام به شیوه مناسب
- ۱۳۰ ۱. آغاز، از خود و خانواده‌اش و سپس دیگران
- ۱۳۷ ۲. ارائه راه حل و جایگزین
- ۱۳۸ ۳. غیر مستقیم
- ۱۳۹ ۴. برخورد شایسته و با زیباترین واژه
- ۱۴۰ ۵. توجه به ظرفیت
- ۱۴۳ ۶. توجه به زمان و مکان
- ۱۴۴ ۷. تکرار و تداوم و اثر شنیدن
- ۱۴۹ ۸. با نجوا (سخنان درگوشی)

فصل پنجم: آثار امر به معروف و نهی از منکر و پیامدهای ترک این دو فریضه

- ۱۵۲ الف- آثار مثبت امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۵۲ ۱. برکات معنوی
- ۱۵۲ ۱-۱. فلاح و رستگاری

- ۱۵۳ ۱-۲. بهترین امت بودن
- ۱۵۳ ۱-۳. نجات از عذاب
- ۱۵۵ ۱-۴. پاداش اخروی
- ۱۵۵ ۲. برکات اقتصادی
- ۱۵۷ ۳. برکات اجتماعی
- ۱۵۸ ۴. برکات سیاسی
- ۱۶۱ ب - پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۶۱ ۱. فساد در زمین
- ۱۶۱ ۲. عذاب و هلاکت
- ۱۶۴ ۳. لعن و نفرین
- ۱۶۶ ۴. تارک امر به معروف و نهی از منکر شریک جرم گناهکاران است (عذاب فراگیر)

فصل ششم: علل ترک و پاسخ به شبهات

- ۱۷۴ مقدمه
- ۱۷۴ سهم عمده دو گروه در ترک این دو فریضه
- ۱۷۶ ۱. سطحی اندیشان غافل
- ۱۷۶ ۲. ژرف اندیشان عامل
- ۱۷۷ درک ناقص و ناصواب و طرح سؤالات و شبهات
- ۱۷۷ ۱. درک ناقص و ناصواب از آیه قرآن
- ۱۸۲ ۲. آیا امر به معروف و نهی از منکر سلب آزادی از دیگران نیست؟

۱۸۶ ۳. آیا امر به معروف و نهی از منکر تولید هرج و مرج نمی کنند؟

۱۸۸ ۴. امر به معروف و نهی از منکر، دخالت یا هدایت؟

۱۸۹ ۵. آیا امر به معروف و نهی از منکر القای در تهلکه نیست؟

۱۹۵ نتیجه گیری

۱۹۸ فهرست منابع

مقدمه: طرح موضوع

امر به معروف و نهی از منکر در پیکره جامعه اسلامی نقش تعیین کننده‌ای در بقاء و گسترش و نشر معارف اسلام داشته است، و اگر اصلاحاتی در جامعه اسلامی پدید آمده است مرهون این دو اصل بوده است. این دو فریضه الهی با بعثت نبی مکرم اسلام ﷺ آغاز، و در زمان حیات پیامبر ﷺ و بعد از آن یاران و اصحاب آن حضرت، و پس از آن در حکومت عدل علوی و سائر ائمه معصومین علیهم السلام تداوم داشته است؛ تا اینکه در قرن چهارم هجری تشکیلات ویژه‌ای به نام (دائرة حسبه) که عهده‌دار امر به معروف و نهی از منکر بوده تأسیس می‌گردد تا از اصول مکتب پاسداری بشود؛ اما متأسفانه در طول تاریخ بعد از آن این دو فریضه الهی دچار ستم‌ها و افراط و تفریط‌هایی شده است و کم کم از رسالت واقعی افتاده است و نه تنها به عنوان یک اصل اساسی از آن بهره‌برداری نشده و بلکه با طرح شبهات از جانب دشمنان کمر به محو و انهدام آن بسته‌اند؛ علی‌ای حال این پژوهش در پی بررسی اهمیت، و ارزش و کارآمدی این دو واجب الهی (امر به معروف و نهی از منکر) از دیدگاه قرآن به تحریر درآمده است.

فصل اول: 

کلیات تحقیق

مقدمه

انسانها از ابتدای آفرینش تاکنون همواره برای ایجاد جامعه‌ای برتر و مدینه فاضله تلاش کرده‌اند و جان و مال بسیار بر سر این آرزوها نهاده‌اند. اولین سوالی که به ذهن می‌رسد این است که چه شرایط و عوامل و اموری برای تحقق این هدف والا و دیرینه لازم است؟ و برای برآورده شدن این آرزوی دیر پای انسان، کدامین اسباب و افعال باید فراهم آید؟ در پاسخ بدین سؤال اولین چیز که به ذهن می‌آید کلمه «قانون» است؛ بدون شک جامعه‌ای که دارای قانون نیست؛ یا قانون صحیح بر آن حکومت نمی‌کند راه به ساحل سعادت نمی‌برد و روی فلاح و رستگاری را نمی‌بیند. بنابراین قانون صحیح اولین سنگ بنای جامعه برین است. خدای متعال برترین قانون را، که از علم نامتناهی او سرچشمه گرفته است؛ به بشر ارزانی داشته و همگان را به پیروی از آن دعوت کرده است. و رسیدن به حیات طیبه را در گرو عمل بدان دانسته است. (۱)

اکنون سؤال دوم طرح می‌شود که آیا تنها وجود قانون صحیح و کامل سعادت جامعه را

تضمین می‌کند؟

بدون تردید پاسخ منفی است، زیرا آنچه موجب برآورده شدن این آرزو و تحقق یافتن این

۱. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً» هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد باشد یا زن در خالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم (نحل، آیه ۹۷).

خواسته می شود پیاده شدن قانون است.

قانون مثل نسخه شفابخشی می ماند که تنها وجود آن دردی را دوا نمی کند بلکه به دست آوردن دارو و مصرف دقیق و صحیح آن، بشارت دهنده سلامتی و تضمین کننده زندگی و شادابی است.

از این رو قانون صحیح، نیازمند ضامن اجرایی قوی است؛ و ضمانت‌هایی که اسلام برای اجرای قوانین و احکام و نظام معرفی می کند از این قرار است:

ضمانت نخستین:

نیروی بازدارنده‌ای درونی و نیروی مراقبت از خود یعنی تقوای الهی است که فرد مسلمان خود مسئول تزکیه‌ی نفس و محاسبه از آن است.

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»: که هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده؛ و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته نومید و میجرورم گشته است. (۱)

ضمانت دوم:

قدرت حکومت عادل در جامعه اسلامی می باشد: حکومت‌ها در تربیت انسان‌ها و رواج «معروف» یا «منکر» نقش بسیار مهمی دارند، به گونه‌ای که اساس و ریشه همه مفاسد و منکرات «پیشوای باطل» و نیز اصل همه فضائل، خوبی‌ها و برکات «پیشوای حق» است. وقتی «محمد بن منصور» از امام کاظم علیه السلام پیرامون «إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

بَطْن»^(۱) سؤال کرد و از حضرت خواست تا «فواحش ظاهر و باطن» را برایش توضیح دهد، امام علیه السلام فرمود: قرآن ظاهر و باطنی دارد و تمام آنچه که خداوند در قرآن حرام شمرده، همه فواحش آشکار و ظاهرند، و باطن آنها پیشوایان ستمگرند، و تمام آنچه که خداوند در قرآن حلال و نیکو شمرده، ظاهری است که باطن آن پیشوایان حق‌اند.^(۲) از تعبیر «ظاهر و باطن» که در این روایت به کار رفته است می‌توان فهمید که تأثیر دولت‌ها در بین مردم و نقش آنها در تغییر رفتار انسان‌ها، در بسیاری از موارد، برای عموم قابل تشخیص نیست. مردم رواج فساد و گسترش ظلم را می‌بینند، آثار و علائم آن را مشاهده می‌کنند و حتی در صدد مبارزه با آن بر می‌آیند، ولی درک صحیحی از ریشه مفاسد نداشته یا از توجه به عوامل اصلی آن غفلت دارند. از این رو، در روایت یاد شده از تأثیر مثبت یا منفی حاکم با کلمه «بَطُون» تعبیر شده است، و البته این «بطون و پنهانی» سبب آن می‌شود که بسیاری از مردم، در فهم ریشه‌ها به بیراهه روند و تنها در فکر برخورد با مظاهر فساد باشند و از «باطن» آن غفلت کنند.^(۳) در نتیجه، وظیفه مردم مبارزه با فواحش و منکرات ظاهری است، اما با منکرات باطنی و ریشه‌ای و سازماندهی شده حکومت اسلامی موظف است پیکار نماید، و حکومت است که با تدبیر و اقتدار، بطون (منکرات پنهان) را کشف و از آن اطلاع حاصل می‌نماید.

ضمانت سوم:

نیروی اجتماع و فرد فرد جامعه اسلامی است. از دیدگاه اسلام، تمام افراد جامعه وظیفه و حق نظارت در اجرای قوانین الهی را دارند. این حق نظارت عمومی که ضامن اجرای عدالت

۱. اعراف، آیه ۳۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳.

۳. محمد سروش و سید محمد مقدس نیان، امر به معروف و نهی از منکر، صص ۷۴-۷۵.

و قسط و تضمین کننده رسیدن جامعه به کمال و سعادت است، «امر به معروف و نهی از منکر» نامیده می‌شود.

در این رساله (پایان نامه) این موضوع از دیدگاه قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

ضرورت تحقیق

اولاً: با احساس نیاز مبرم جوامع اسلامی و بالاخص جامعه شیعی به موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» آن هم از دیدگاه قرآن کریم (که مورد قبول همه مسلمانان است) و با توجه به وضعیت کشورهای اسلامی در زمان حاضر که از هر سو مورد تهاجم و شیبخون و غارت فرهنگی قرار گرفته است، بنده بحث از موضوع فوق را ضرورت جدی تشخیص دادم، زیرا اگر بخواهیم جوامع اسلامی و بویژه جامعه شیعی را مدینه فاضله و اسوه‌ای برای دیگر جوامع بسازیم و یا حداقل از فضیلت‌ها دفاع، و از ارزش‌های اسلامی حراست کرده، و جامعه مردم سالار دینی داشته باشیم، و لقب «خَيْرُ أُمَّةٍ»، را برای خود کسب کنیم راهی نداریم به جز احیای فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» و این تنها راه است برای اقامه سایر واجبات...
بِهَذَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ...»^(۱) و نیز متضمن آثار حیاتبخش در دنیا و نجات بخش در آخرت است؛ اما متأسفانه امروز این دو اصل خطیر و اساسی اسلامی در معرض فراموشی قرار گرفته است و اگر بخواهیم این واجب الهی رونق بگیرد و جامعه اسلامی قوام داشته باشد باید به هر وسیله‌ای، با بیان و قلم و قدرت و جدیت در حفظ و احیای این دو فریضه تلاش و تقلا

بکنیم. زیرا که: «قَوَامُ الشَّرِيعَةِ، الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ»^(۱).

علامه طباطبایی در این راستا در بیان متینی می‌فرماید:

«از تجربیات مطمئن بشر این است که اندوخته‌های فکری انسان با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده می‌شود مگر آنکه پیوسته یادآوری شود و در مرحله عمل تکرار گردد. از همین جاست که پیوند «علم و عمل» مشخص می‌شود. علم، انسان را به عمل راهنمایی می‌کند و عمل شایسته بر آگاهی و بینش انسان می‌افزاید.»^(۲)

پس این دو عامل سعادت بخش و سرنوشت ساز که با بعثت نبی مکرم اسلام ﷺ آغاز گردید و رونق گرفت، و با حکومت عدل علوی تکمیل شد و با قیام جاودانه حسینی شهره جهانی پیدا کرد و دل‌های مستعد و آماده‌ی جهانیان را متوجه خود ساخت و با شهادت سائر ائمه معصومین علیهم‌السلام و جدیت و جانفشانی دانشمندان و رزمندگان اسلام تداوم یافت، نگذاریم که با غفلت به فراموشی سپرده شود، و خسارت جبران ناپذیری اسلام را تهدید کند؛ اینک ضرورت حتمی ایجاب می‌کند که از زوایای مختلف، این دو گوهر حیاتی و سترگ (امر به معروف و نهی از منکر) را مورد بحث قرار دهیم تا هرچه بهتر و بیشتر در اجرای صحیح این دو فریضه کمک (هرچند ناچیز و اندک) کرده باشیم.

ثانیاً: در رابطه با این موضوع تا آنجا که من بررسی کرده‌ام بحث گسترده و همه جانبه قرآنی و کتابی جامعی که فقط از دیدگاه قرآن بحث کرده باشد و اگر بحث روایی هم شده باشد جنبه‌ای تأییدی داشته باشد به قدر کافی و جامع نگارش نیافته است [به جز چند کتابی، از

۱. غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۱۸.

۲. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۷۲. توضیح: سخنان بیشتری علامه (ره) در این راستا در فصل چهارم، بخش شیوه‌ها، عنوان «تکرار و تداوم» خواهد آمد.